



غلامرضا جلالی

«اجازات»

یا کهن ترین مدارک تحصیلی حوزه‌های علمی

بودند بقیه مدارک حوزوی معادل‌گیری شد و جلسات امتحان تحت کنترل افراد وابسته به امور فرهنگی درآمد و حداکثر مدارک معادل دیپلم برای فضلالی حوزه صادر گردید و دارندگان این مدارک به بازار کار جذب شدند.

ولی پس از سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، بار دیگر همان سنت‌های تحصیلی پیشین در حوزه‌های علمیه ادامه یافت. تا اینکه در یکی - دو دهه اخیر، با توجه به شرایطی که پس از انقلاب اسلامی برای رشد و توسعه علوم و معارف در

حوزه‌های علمی به عنوان کهن‌ترین مراکز آموزشی علمی و دینی جهان اسلام، قرن‌هاست که به درس‌آموختگان خود، سپس از اتمام دوره‌های آموزشی، مدارک تحصیلی و فارغ‌التحصیلی ارائه می‌داد. تا اینکه در زمان رضاشاه، براساس سیاست‌هایی که رژیم وی به منظور انحلال حوزه‌های علمی و اسقاط ارزش تحصیلات حوزوی، در پیش گرفت، بجز پذیرش اجازات انگشت‌شعاری که از سوی مراجع تقلید در اختیار کسانی که به مقام اجتهاد رسیده

عرصه‌های گوناگون، از جمله علوم حوزوی فراهم شد و نیاز به داشتن مدارک تحصیلی جهت تدریس، تحقیق و حضور در مراکز علمی، قضایی و اداری کشور ضرورت و فزونی یافت. براساس مصوبه دولت، مرکز ارزیابی مدارک علمی طلاب مستقر در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بوجود آمد و فضای حوزه جهت ارزیابی مدارج علمی و اخذ مدارک علمی به این دفتر معرفی شدند و هم‌اکنون چند سالی است که مدیریت حوزه علمیه قم و مشاهدین مسئولیت را به عهده دارند و طلاب و فضلا، پس از شرکت در امتحانات سالانه حوزه و گذراندن دوره‌های مقدماتی، سطوح و خارج و شرکت در امتحانات دروس جنبی از قبیل تفسیر، تاریخ، رجال و غیره و دادن امتحان جامع و تدوین پایان‌نامه در یکی از موضوعات تخصصی خود و عضویت در جلسه دفاعیه، به اخذ مدارک کارشناسی ارشد و دکتری علوم حوزوی نایل می‌شوند مادر این مقال تنها به پیشینه‌های مدارک حوزوی در سده‌های گذشته اشارت داریم و بحث و کند و کاو تاریخچه آن را در قرن اخیر به فرصت دیگر وامی‌نهیم.

چگونگی پیدایش اجازات

اجازه ابتدا به کلام و بعدها به نوشته‌ای گفته می‌شد که مجیز با گفتن یا نوشتن آن، به فرد اجازه گیرنده اذی روایت حدیث می‌داد و مشتمل بود بر یاد کتابها و مضغاتی که اجازه رعایت آن از سوی مجیز به صورت تفصیل یا اجمالی صادر شده بود. در اجازه‌ها نام مشایخ و طبقات آنها تا آخرین مرحله اساتید یاد می‌شد.

اجازات ابتدا در میان اهل حدیث و حدود پایان قرن اول هجری پیداشد بعد به دانش‌های دیگر راه یافت. چون محدثان نخستین کسانی بودند که به تدوین علم در اسلام همت گماشتند و بیش از دیگران به تحقیق و بررسی و ضبط حدیث و توجه و کاوش در منابع آن پرداختند و به همین دلیل آنها نخستین کسانی بودند که کلمه اجازه را در زمینه مسائل علمی خود به کار بردند.

از نخستین اجازه‌های روایت حدیث می‌توان به این سخن امام صادق اشاره کرد که به یکی از اصحاب خود فرمود: به نزد ابان بن تغلب برو. او حدیث بسیاری از من شنیده است. هر چه از من برای تو روایت کرده تو آن را روایت کن.»

اجازه به نوبه خود بعد از اسناد و به منظور تکمیل آن پدیدار شد. تا نسبت کتابهای حدیث به مؤلفان و حفظ متون احادیث از عوامل تحریف را اثبات کند و آن را از تصحیف و تویس که درستی این آثار را در معرض خطر قرار می‌داد محفوظ بدارد. در منابع شیعی، کهن‌ترین اجازه‌ای که به دست ما رسیده است به تاریخ ۵۲۴ ق مربوط می‌شود. این اجازه را محمد بن

● اجازه ابتدا به کلام و بعدها به نوشته‌ای گفته

می‌شد که مجیز با گفتن یا نوشتن آن، به فرد اجازه

گیرنده اذی روایت حدیث می‌داد و مشتمل بود بر یاد

کتابها و مضغاتی که اجازه رعایت آن از سوی مجیز

به صورت تفصیل یا اجمالی صادر شده بود.

در اجازه‌ها نام مشایخ و طبقات آنها تا آخرین مرحله

اساتید یاد می‌شد.

عبدالله بن جعفر حمیری، به ابو عامر سعید بن عمرو داده است. کتابی که اجازه داده شده است قرب الاستاد نام دارد. حمیری در این اجازه‌نامه نوشته است: به تو اجازه داده‌ام ای ابو عامر سعید بن عمرو، تا این کتاب را از من، از پدرم، از ابوبکر ازدی و سعید بن مسلم روایت کنی و در آخر نوشته است: محمد بن عبدالله جعفر حمیری. به خط خود در صفر سال ۲۰۴ هـ ق نوشت.

از آنجاکه اجازه وسیله‌ای برای تضمین صحت آثار علمی و درستی نسبت این آثار به مؤلفان آن بود، محیط علمی آن روزگار نوشتن اجازه و اثبات ضرورت آن برای دانشجو و استاد را مورد تشویق قرار داد و پیوستن به استادان و مشایخ برای دریافت اجازه امر ضروری می‌شد و سفر علمی وسیله‌ای شد برای دیدار استادان و شیوخ و درخواست اجازه از آنها. مسلمانان سده‌های آغازین، نمی‌پسندیدند که کسی بدون اجازه روایت و بی‌آنکه در محضر استادان نشسته باشد و علم اخذ نموده باشد. به روایت حدیث مبادرت ورزد. آنها به کسی

● اجازات ابتدا در میان اهل حدیث و

حدود پایان قرن اول هجری پیدا شد بعد

به دانش‌های دیگر راه یافت.

چون محدثان نخستین کسانی بودند که

به تدوین علم در اسلام همت گماشتند و

بیش از دیگران به تحقیق و بررسی

و ضبط حدیث و توجه و کاوش در منابع

آن پرداختند و به همین دلیل آنها

نخستین کسانی بودند که کلمه اجازه را

در زمینه مسائل علمی خود به کار بردند.

● با گذشت زمان و فزونی اجازه‌ها و نیاز علمی به حفظ آنها در توثیق آثار علمی و غیره، کسانی به این فکر افتادند که این دانشنامه‌ها را در مجموعه‌هایی گردآورند. از نخستین کسانی که به این امر مهم پرداختند، می‌توان به نام سید رضی الدین علی بن طاووس (م: ۶۶۴ ه. ق) اشاره کرد.

کتاب سید بن طاووس: الاجازات کاشف طرق المجازات فیما یحصی من الاجازات نام دارد. آقابزرگ تهرانی در الذریعه نزدیک به ششصد کتاب از مجموعه‌های اجازات را نام برده است.

که از این طریق دانش نیندوخته بودند اعتماد نداشتند. در نقطه مقابل محصلین نیز برای دستیابی به دانش که شائبه تردیدی در انتساب آن به صاحبش نباشد، کوشش داشتند تا به این ترتیب نسبت علمی خود را به دانشور و محدثی تثبیت کنند و مردم نیز به تحصیل و دانش او اعتماد یابند. بخصوص برای گرفتن اجازه، امتحان یا دست‌کم شناخت دقیق میزان دانش طلبه شرط بود. امتحان گاهی بوسیله هیئت ممتحنین صورت می‌گرفت. از اجازه شیخ علی کرکی به شیخ بابا، روشن می‌شود که در مجمعی از علما و فضلا، ایشان از عهده کتاب «ارشاد الازهان الی احکام الایمان» اثر علامه حلی برآمده است.

اجازه در سده‌های نخست هجری نقش مهمی در انتقال نسل به نسل احادیث ایفا می‌نمود ولی بعد از تدوین و نشر مجامع حدیثی، بیشتر جنبه تشریفاتی یافت.



کاربرد اجازه در همه علوم

اجازه به تدریج همه دانش‌های رایج نظری و علمی را اعم از اسلامی و دخیل را شامل شد و به‌عنوان یکی از اصول و مبانی آموزش درآمد. از این رو دانشمندان به تعیین اهداف و بیان ارکان و اصول و انواع اجازات همت گماشتند و با گذشت زمان اجازات انواع گوناگونی یافت.

اجازه استخاره و تفأل اجازه امامت نماز جماعت، اجازه تصدی امور حسبیه، اجازه خرقه صوفیانه، اجازه دعا، اجازه شعر، اجازه قرائت قرآن و اجازه روایت کتاب همه از اقسام اجازات هستند. چنانکه در خود علم حدیث نیز اجازات گونه‌ها و معانی مختلفی یافت:

۱- اجازه معین برای معین: مانند اینکه کسی می‌گفت تو را به روایت از کتاب کافی یا آنچه کلا مشتمل بر فهرست من می‌شود اجازه دادم.

۲- اجازه به غیر معین: مانند اینکه کسی بگوید ترا به روایت در مسموعات خود اجازه دادم.

۳- اجازه عام غیر معین: مانند اینکه کسی بگوید: من به مسلمانان یا هر فرد یا مردم زمان خود اجازه دادم.

۴- اجازه مجهول که در آن مجیز، شی، مجاز و مجاز الیه را به طور دقیق مشخص نکنند.

۵- اجازه به مناوله: و آن این است که مجیز اصل علمی موجود نزد خود از قبیل حدیث یا کتاب یا سماع را در اختیار طالب قرار دهد و به وی اجازه دهد که به صورت تملیک یا عاریه یا استسناخ از او روایت کند. در این حال طالب ناگزیر است که از استاد اجازه روایت داشته باشد. به این اجازات باید اجازه بالمراسله و اجازه‌نامه‌های افتخاری را افزود.

سپس از اجازه در نقل روایت، اجازه در اجتهاد اهمیت یافت. از نخستین اجازه‌های اجتهاد شاید بتوان به اجازه امام محمد باقر (ع) برای ابان بن تغلب (م ۱۴۱ ه. ق) یکی از اصحاب و یاران آن حضرت اشاره کرد. امام باقر با توجه به شناختی که از ابان بن تغلب داشت به او فرمود: در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده. من دوست دارم که در شیعیانم کسانی همچون تو دیده شوند.

اعطای اجازه‌نامه‌ها به کسانی که نزد استادان به تحصیل و تعلم نپرداخته بودند، برخی از رجال دانش را به تدریس و تدریس علمی و درستی اجازه و ادانت، تا آنجا که برخی از ایشان اعطای اجازه را مطلقاً جایز ندانسته‌اند و برخی دیگر به دفاع از اجازه و ضرورت آن برخاستند و به تألیف در این زمینه دست زدند.

روش معمول در نوشتن اجازه‌نامه‌ها در آغاز غالباً مبتنی بر ایجاز در عبارت و سادگی اسلوب بود و بیشتر همان عبارتی بود که بر پشت کتابهایی که اجازه روایت آن منظور بود نوشته می‌شد.

